مرور

تازه‌های انتشارات روزنه

سمتی دیگر

«... یکی از آدم‌های قصه کم شده است. خب، هر آدمی می‌تواند گم و گور شود؛ شاید خیلی هم مهم نباشد. اما این مورد بخصوص به این خاطر حساس است که او نزدیک‌ترین دوست من بود. بنابراین شما هم مثل مادرش توقع دارید که من چیزهایی از این ماجرا بدانم. مثلا بدانم کجاست؟ و این کار را خیلی سخت می‌کند؛ چون برای این سوال جوابی ندارم بر فرض هم داشته باشم، به‌کمانم آخر قصه جای بهتری برای جواب به این سوال باشد.» داستان «جانشین»، اولین داستان مجموعه «کاه‌گزارها» این طور آغاز می‌شود. «کاه‌گزارها» نوشته رضا زنگی‌آبادی شامل هشت داستان کوتاه مستقل است که هریک از آنها در فضایی خاص اتفاق می‌افتد و ارتباط ساختاری مشخصی با هم ندارند. «جانشین»، «اگر کلاغ‌ها»، «کاه‌گزارها»، «جویان»، «زیر سقف گور»، «قبل از تحویل سال»، «پلنگ برنز»، «نیشابور» عناوین داستان‌های این مجموعه‌اند. مجموعه داستان «کاه‌گزارها»، یا داستان «نیشابور» از داستان‌های خواندنی این مجموعه، تمام می‌شود؛ «آخرین قصه این مجموعه مدت‌ها نصفه‌نیمه مانده و من قادر به تمام کردن آن نیستم. دوستانم می‌گویند: خوب می‌شه. اولش این‌جوریه بعد همه چیز روبه‌راه می‌شه. و من خیال خودم را راحت کرده‌ام و پیوست نوشتم را به ازدواجت ربط دادم و حالا هی زور می‌زنم در کنار زنم احساس خوشبختی کنم.» از رضا زنگی‌آبادی، تاکنون کتاب‌های «شکار کبک»، «سفر به سمتی دیگر» و مجموعه داستان آخر او یک روز مناسب برای شادی قورباغه» منتشر شده است. داستان‌های رضا زنگی‌آبادی جدا از رکه‌های اقلیمی و بومی اغلب آنها، در فضاهایی متفاوت روایت می‌شوند. «کاه‌گزارها» داستانی از این مجموعه که عنوان کتاب انتخاب شده نیز، یکی از همین داستان‌هاست که رکه‌هایی اقلیمی دارد و با فضا و اصطلاحات بومی روایت می‌شود. «بچه‌ها فاطمو از ترس شده بید عین زرچوبه، بعد به دنبال کسیه توتونش گشت. حیق که چای کرد غیرار خودش و فاطمو هیچکس توی صفه نبود.» جدا از رکه‌های بومی داستان‌های زنگی‌آبادی، داستان‌های این نویسنده به دلیل نوشتن از موضوعات متفاوت با جریان غالب داستان‌های قصه‌ای، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

آن‌جاست

«اندازه دیگری»، مجموعه داستانی است از ۱۱داستان نسبتا کوتاه نوشته مرتضی زارعی که به تازگی از سوی انتشارات روزنه منتشر شده است. «ابر»، «بوی سوپ عمه‌گلی»، «رهایی»، «آن‌جاست»، «این‌جا»، «ـــ»، «داستان‌های مجموعه‌اند. «اسمش را بعدا انتخاب می‌کنم. دو سال بعد حدود، بعد از پایان، بعد از دانشگاه او را دو بار دیدم. کلمه‌ها تا آخر سطر نمی‌روند. نمی‌رکوند. به اول سطر صدای او را می‌شنیدم: «هنوز شعر بلدی که نیستی؟» هنوز؟ بله، هنوز. ولی بیشتر داستان می‌نویسم. میدان انقلاب. در هیاهو با هم حرف می‌زدیم. لاغرتر شده بود. خط سیاه موربی زیر چشمانش کشیده شده بود. در یک شرکت کار می‌کند، نامه، ترجمه، تلفن. ولی دیگر خسته شده، می‌خواهد ادبیات‌نمایشی بخواند. و ما رفتیم و پوستر فیلم‌ها را کنکاه کردیم.» این آغاز داستان آخر مجموعه، «ـــ» است. داستان «آن‌جاست» یکی دیگر از داستان‌های این مجموعه است که فضایی متفاوت با دیگر داستان‌های مجموعه دارد: «احساس می‌کنم به زودی می‌میرم. و این احساس جدفر تسکیم‌ام می‌دهد. کافی که در آینه نگاه می‌کنم و می‌بینم چهره‌ام به اول سطح صدای او را می‌شنیدم: «هنوز شعر بلدی که نیستی؟» هنوز؟ بله، هنوز. ولی بیشتر داستان می‌نویسم. میدان انقلاب. در هیاهو با هم حرف می‌زدیم. لاغرتر شده بود. خط سیاه موربی زیر چشمانش کشیده شده بود. در یک شرکت کار می‌کند، نامه، ترجمه، تلفن. ولی دیگر خسته شده، می‌خواهد ادبیات‌نمایشی بخواند. و ما رفتیم و پوستر فیلم‌ها را کنکاه کردیم.» این آغاز داستان آخر مجموعه، «ـــ» است. داستان «آن‌جاست» یکی دیگر از داستان‌های این مجموعه است که فضایی متفاوت با دیگر داستان‌های مجموعه دارد: «احساس می‌کنم به زودی می‌میرم. و این احساس جدفر تسکیم‌ام می‌دهد. کافی که در آینه نگاه می‌کنم و می‌بینم چهره‌ام هستم که در اثر سطح